



۲۰۱۸/۰۹/۰۵

عارف عباسی

مشخصات احراز مقامات دولتی است



با کمال احترام با انتقادات بعضی از دوستان، سعی بلیغ می‌آرم به جا که از دراز نویسی بپرهیزم و مطالب را فشرده تر و مختصر بنویسم زیرا بعضی ها را حوصله خواندن نمانده. و از جانی یک سطر و دو سطر نوشتن و عکسی را ماندن مرا شیوه کردار نیست.

گرچه برای من درب های فراوانی برای نوشتن باز است ولی طرح مبحثی را در این صفحه به خاطر کثرت خواننده و هزاران دوست از بیرون و درون وطن ترجیح می‌دهم.

عوامل آفریدگار این همه بی سر و سامانی ها و درهم پاشی ها و بیچارگی وطن هر یک مستلزم توضیحات مفصل تر و ارزیابی همه جانبه است که اختصار را مشکل می‌سازد و دریایی را در کوزه گنجاندن مهارت خاص می‌طلبد.

موضوع امروز روی یک اصل مسلم می‌چرخد

که عبارت از مشخصات احراز مقامات دولتی است،

در دنیای امروز همه امور حیاتی تخصصی و علمی شده و هر رشته را درجات مختلف علمی است، که دانش و فهم مسلکی و فنی معیار واقعی اهلیت است که جرأت، مدیریت خوب و لیاقت در وظیفه به حیث کفایت ممد اهلیت بوده و اهلیت بر مبنای چگونگی شخصیت موضوع مهم ولی جداگانه است، و مهمتر از همه تجربه لازم در ساحة وظیفه است که باید آموزش کتابی و مدرسوی با مقتضیات عملی کار در ساحة تطابق داده شود. البته در نظام های پیشین در تنظیم امور تا حدی این اصول مرعی الاجرا بوده و با انکشاف تحصیلات عالی در داخل و خارج روبه توسعه بود. البته تقرر در بعضی مقامات ملحوظات سیاسی داشته مسؤولیت طرح پالیسی مطرح بوده دانش مسلکی را ایجاب نمی‌کند مثلاً در بعضی کشور ها وزراء اهل تخصص همان رشته نیستند ولی مطابق دستور کار نظام پالیسی ها را طرح می‌نمایند و چنین اشخاص اهل خبره دانشمند، مجرب، لایق و با درایت اند.

در وطن ما با کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ از ارزش اهلیت و کفایت در مقامات نظامی و ملکی کاسته شده معیار های متفاوتی در نظر گرفته شد و به استثنای چند وزیری پست های مهم به کسانی سپرده شد که فاقد اوصاف متذکره فوق بودند و این روش سر آغاز ایجاد فرهنگ ستیز با اهلیت و کفایت بود.

در دوران حکمروایی خلق و پرچم پیروی از این رسم به حد اعلی آن رسید. ضابط مکتب مستعجل با تبارز مهارت و شجاعت در قتل عام مخالفین دگر جنرال و با چند ماه سفر عیاشی به روسیه ارکان حرب شد. چون استقرار نظام و جلوگیری از سقوط آن همه وعده ها را خنثی ساخته بود و اصلاً مفکوره آبادانی و تغییر حال مردم از کله ها ناپدید شده بود، معیار های وزیر شدن، معین شدن والی و قوماندان همانا وفاداری به حزب و از بین بردن مخالفین بود هر که در این کار سبقت می حسست بهترین مقام و امتیازات از آن او بود.

قلم فریاد می زند که به لحاظ کرامت من میازارم که مرا توان نوشتن گزارشات مرحله حکومت تنظیمی ها، ننگ تاریخ بشریت نیست، دورانی که آدمیت با همه ارزش هایش از این دیار رخت سفر بر بست، نه از اهلیت خبری بود و نه از کفایت اثری، دوران حاکمیت هرزگان، ستم پیشگان بی بندوبار ره گم کرده ای بی خبر از دین و آئین آدمیت، دوران ملوک الطوائفی و انارشی، نبود حکومت مرکزی. و قصی الهازا دوران سیه و تاریک معرفت ستیز طالبان زیر لوای اسلام که در محتوای این بحث جایی برای شان نیست.

ولی فریاد ها، فغان ها، ناله ها، گله ها و گریبان دریدن ها پیرامون اهلیت در کار ها و کفایت در کردار ها در یک مسیر سوق می یابد و آن پیدایش جرقه امید در کالبد خشکیده آرزو های این ملت است که با غرش صدای هیبت ناک طیارات بمب افکن بی-۵۲ امریکا پدیدار شد.

ناخواسته آمدند و برای ما حسب دل خواه خود نظام ایجاد و زعیمی که فاقد هر نوع شناخت در بین ملت بود با تمثیل درامه دروغین تراشیدند و به دور او جانین معلوم الحال، قاتلین گروهی، دزدان، چپاول گران و ناقضین علنی حقوق بشر را جمع نموده زمام امور و سرنوشت این وطن را به آن ها سپردند.

از این جاست که بدبختی و سیاه روزی این مملکت تهداب گزاری شد و مردم را در زنجیر اسارتی بستند که رهایی از آن از وسع و توان این ملت خارج است.

عده دیگری را به حیث نمایندگان دول متحابه و مؤسسات کمک دهنده در ظاهر برای خدمت به افغانستان و در واقعیت امر برای صیانت منافع سیاسی و اقتصادی خود به نام نخبگان و اهل فن و درایت با کف و کالر و بکس های مفشن ارسال نمودند. این ها دزدان مترقی و ماهری بودند که سر دزدان وطنی خاریدند و خود قاپیدند و چوریدند و اهداف طرح شده استخدام کنندگان خود را تأمین کردند. ورنه افغانستان بحران دیده و جنگ زده کجا و نظام اقتصاد بازار آزاد کجا.

مقامات ارشد دولتی سفارت خانه ها و پست های چرب و روغنی به اقارب و وابستگان شخص رئیس جمهور و زور مندان متنفذ سیاسی اعطاء گردیده بیشترین سهمیه در اردو و قوای امنیتی و وزارت خارجه به منسوبین شورای نظار و حزب جمعیت اسلامی سخاوت مندانه تعارف شد و به اصطلاح عامیانه قصه ای که چه خواندی و کجا خواندی و

چه میدانی و در کجا کار کردی مفت شد و مربی داران مربا خور شدند. در انتصابات و مقرری ها فرهنگ خویش خوری و قوم گرایی متداول و اصلاً موضوع اهلیت مطرح نبود.

به قرار اطلاعات دست داشته ۲۷ موقوف پر عاید و پر آمد در ولایت هرات را اقارب و خویشاوندان داکتر دادفر رنگین اسپنتا احراز نمودند.

این رسم ملعون و خائنه تا حال مستولی است. گرچه صدای تصفیه و اصلاحات از دور ها به گوش می رسد ولی در عمل اقدامات بطنی، کند و ضعیف است و بعضی موارد تحولات و اصلاحات شکل افراطی داشته کهن پیخ واسطه والا توسط جوان فاقد اهلیت مسلکی و تجربه تعویض می گردد.

هم وطن! ما گپ مفت نمی زنیم و ناسنجیده و غرض آلود قضاوت نمی کنیم و ما را سر خصومت و ضدیت با کسی نیست ولی دشمن وطن و خائن به وطن دشمن ما است، تغییرات، اصلاحات و تصفیه بنیادی که توقع و خواست من و تو ملیون های دگر است در این لجن زار فساد با نفوذ عمیق و سلطه فساد پیشگان جنایت کار، که میراث شوم دوره قبلی است، گرچه ناممکن نیست ولی به گفته صاحب سخن اگر دستی از غیب آید و کاری بکند.

